



نحسی ماه صفر؛ خرافه یا واقعیت؟

سعد و نحس بعضی ایام در اسلام به خاطر وقایعی که در آن اتفاق افتاده، پذیرفته شده است تا به این وسیله مردم به وقایع گذشته توجه کنند و از آن عبرت گرفته و برای دفع آن به خدا متوسل شوند.

سعد و نحس بعضی ایام در اسلام به خاطر وقایعی که در آن اتفاق افتاده، پذیرفته شده است تا به این وسیله مردم به وقایع گذشته توجه کنند و از آن عبرت گرفته و برای دفع آن به خدا متوسل شوند. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، با فرا رسیدن ماه صفر، برخی افراد فکر می‌کنند که این ماه دارای نحسی است و هنگامی که وارد این ماه می‌شوند، هیچ کاری را آغاز نمی‌کنند تا مبادا فرجامی منحوس داشته باشد!

به راستی سعد و شومی ایام تأثیری در زندگی انسان دارد؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا تعریفی از دو واژه «سعد» و «نحس» ارائه می‌شود و سپس برای بررسی صحت یا سقم نحسی ایام مختلف به ویژه ماه صفر، به قرآن کریم رجوع می‌کنیم.

*معنای لغوی سعد و نحس

«سعد» به معنای فراهم شدن امور و مقدمات الهی برای رسیدن به خیر دنیوی و اخروی است (1) و در مقابل آن، تفاوت و یا نحس قرار دارد. «نحس» در لغت به معنای سرخ شدن افق همچون مس گذاشته است و در اصطلاح به هر چیز شوم نحس گفته می‌شود. (2) فراهم نشدن مقدمات و امور کارها نیز نحس تلقی می‌شود.

*نحوست ایام در کدام آیات آمده است؟

در آیات قرآن تنها در 2 مورد اشاره به «نحوست ایام» شده است:

1- آنجا که می‌فرماید: «ما تندباد وحشتناک و سردی را «فی یوم نحس مُسْتَمِرٍّ» (در یک روز شوم مستمر) بر آن‌ها فرستادیم که مردم را همچون تنه‌های نخل ریشه‌کن شده از جا بر می‌کند». (3)

2- در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ» (4) مانند بادی سخت و سرد در روزها شومی بر آنها مسلط ساختیم».

در نقطه مقابل، تعبیر «مبارک» نیز در بعضی از آیات قرآن دیده می‌شود، چنان که درباره شب قدر می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ» ما قرآن را در شبی پربرکت نازل کردیم». (5)

به این ترتیب قرآن فقط اشاره سربسته‌ای به این مسئله دارد، پس می‌توان گفت تا اینجا اصل سعد و مبارک بودن بعضی ایام و نحس بودن بعضی روزها را به صورت اجمال پذیرفته است.

*دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم درباره نحسی ایام

نظر مفسران در این باره خواندنی است:

- علامه سید محمدحسین طباطبایی در ذیل آیه 19-20 قمر می‌فرماید: «از نظر عقلی نمی‌توان دلیلی اقامه کرد که فلان زمان نحس است و فلان وقت سعد، چون اجزای زمان مثل هم هستند و ما هم که بر علل و اسباب مؤثر در حوادث احاطه علمی نداریم تا بگوییم فلان قطعه از زمان نحس است و قطعه دیگر سعد، اما از نظر شرعی دو آیه در قرآن داریم که ظاهر این آیات و سیاق آن‌ها بیش از این دلالت ندارد و آن ایام خاص (هفت شبانه روز) که عذاب بر قوم ثمود ارسال شد، روزهای نحسی بوده‌اند، ولی دیگر نمی‌رساند که حتی همان روزها در هفته بعد و در ماه بعد و ... ایام نحس هستند».

چون اگر تمام آن ایام نحس باشند در تمام سال، لازمه‌اش این است که تمام زمان‌ها نحس باشند و همچنین ظاهر آیاتی که دلالت بر سعد بودن ایام دارد به خاطر همراهی آن ایام با امور بزرگ و افاضات الهی و کارهای معنوی است، مثل امضا تقدیر است، نزول ملائکه و روح، انجام عبادات... و اخبار هم نتیجه‌اش این است که نحس بودن ایام به خاطر کارهای زشتی است که در آن واقع شده است و سعد بودن ایام به خاطر کارهای نیک دینی و یا عرفی است، اما اینکه قطعه‌ای از زمان خاصیت تکوینی

سعد و نحس داشته باشد، قابل اثبات نیست. (6)

- آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی: از نظر عقل محال نیست که اجزا زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، بعضی دارای ویژگی‌های نحوست و بعضی ویژگی‌های ضد آن هرچند عقلاً قابل اثبات نیست، ولی از نظر شرعی اگر دلیلی باشد قابل پذیرش است و مانعی برای آن نیست».

بعد ایشان در تفسیر نمونه روایات را مورد بررسی قرار می‌دهد و بهترین راه جمع را میان اخبار مختلف در این باب این می‌داند که اگر روزها هم تأثیری داشته باشند به فرمان خدا است، هرگز نباید برای آن‌ها تأثیر مستقلاً، قائل شد و از لطف خداوند خود را بی‌نیاز دانست و انگهی نباید حوادثی را که غالباً جنبه کفاره اعمال نادرست انسان دارد به تأثیر ایام ارتباط داد و خود را تبرئه کرد. (7)

* آیا روایات از نحسی ایام سخن به میان آورده‌اند

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم درباره اینکه آیا ائمه معصومین درباره سعد و نحس بودن ایام سخنی به میان آورده‌اند، این چنین پاسخ می‌دهد: در روایات اسلامی به احادیث زیادی در زمینه «نحس و سعد ایام» برخورد می‌کنیم که هر چند بسیاری از آن‌ها روایات ضعیف هستند، ولی در بین آن‌ها روایات معتبری داریم که به برخی روایات اشاره می‌کنیم:

- از امیرمؤمنان (ع) درباره روز «چهارشنبه» و فال بدی که به آن می‌زند و سنگینی آن و اینکه منظور کدام چهارشنبه است، سؤال شد، حضرت فرمود: فرمود چهارشنبه آخر ماه است که در محاق اتفاق افتد و در همین روز «قابیل» برادرش «هابیل» را کشت... و خداوند در این روز چهارشنبه تندباد را بر قوم عاد فرستاد، (8) بنابراین بسیاری از مفسران به پیروی از روایات، آخرین چهارشنبه هر ماه را روز نحس می‌دانند و از آن به «اربعاء لاتدور» تعبیر می‌کنند، یعنی چهارشنبه‌ای که تکرار نمی‌شود.

- در بعضی دیگر از روایات می‌خوانیم که روز اول ماه روز سعد و مبارکی است، چرا که آدم در آن آفریده شد و همچنین روز 26 چرا که خداوند دریا را برای موسی شکافت. (9)

- امام صادق (ع) درباره نوروز فرمود: «روز مبارکی است که کشتی نوح بر جودی قرار گرفت و جبرئیل بر پیامبر اسلام نازل شد و روزی است که علی (ع) بر دوش پیامبر (ص) رفت، بت‌های کعبه را شکست و داستان غدیر خم مصادف با نوروز بود. (10)

* چرا سعد و نحس بعضی ایام پذیرفته شده است؟

علل این امر را چند چیز می‌توان دانست:

1- وجود وقایعی که در این ایام واقع شده است باعث سعد و یا نحس آن شده است، چنان که در بعضی روایات دیگر می‌خوانیم که روز سوّم ماه روز نحسی است، چرا که آدم و حوا در آن روز از بهشت رانده شدند و لباس بهشتی از تن آن‌ها کنده شد (11) و یا اینکه روز هفتم ماه روز مبارکی است، چرا که حضرت نوح سوار بر کشتی شد. (12)

2- توجه دادن مسلمین به حوادثی که در گذشته واقع شده است تا رفتار و اعمال خود را بر حوادث تاریخی سازنده تطبیق دهند و از حوادث مخرب و روش بنیان‌گذاران آن‌ها فاصله گیرند.

لذا در روایات فراوان سعد و نحس ایام را با بعضی از حوادث مطلوب یا نامطلوب پیوند می‌دهد، مخصوصاً در مورد روز عاشورا که بنی‌امیه به گمان پیروزی (ظاهری) بر اهل بیت آن روز مسعود و مبارکی می‌شمرد و در روایات شدیداً تبرک به آن روز نهی شده و حتی دستور داده‌اند که آن روز را روز ذخیره آذوقه سال و مانند آن قرار ندهند، بلکه کسب و کار را در آن روز تعطیل کرده و عملاً از برنامه بنی‌امیه فاصله بگیرند، پس توجه دادن اسلام به سعد و نحس ایام برای این است که به یک سلسله حوادث تاریخی آموزنده توجه شود.

3- توسل و توجه به ساحت قدس الهی و استمداد از ذات پاک پروردگار، بنابراین در روایات متعددی توصیه شده که در روزهایی که نام نحس بر آن گذارده شده با دادن صدقه و یا خواندن دعا و قرآن و توکل بر ذات الهی و استمداد از لطف او خود را بیمه کنید.

4- توجه به این نکته که غالباً حوادث جنبه کفاره اعمال نادرست خود انسان است و ایام ارتباط و تأثیر مستقیم ندارد، بلکه ایام

را می‌توان با توبه و استغفار به روزهای مبارک و سعد تبدیل کرد.

*دعایی که هر روز ماه صفر خوانده شود

در هر صورت نحوست ماه صفر به معنای متوقف کردن اموری مانند خرید و فروش و سایر فعالیت‌ها نیست، بلکه باید با خواندن دعاهایی که برای دفع نحوست این ماه وارد شده مانند دعایی که شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح در اول اعمال ماه صفر آورده است را 10 مرتبه در هر روز بخوانیم تا این نحوست بر طرف شود، با این وجود برای دفع نحوست این ماه، هیچ چیز بهتر از صدقه دادن و دعاها و استعاذه وارده نیست:

«یا شَدِيدَ الْقُوَى وَيَا شَدِيدَ الْحَالِ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ دَلْتُ بِعَظَمَتِكَ جَمِيعَ خَلْقِكَ فَكَفِّنِي شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَتَجْنِبْنَا مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»

*نتیجه‌گیری

در اسلام سعد و نحس بعضی ایام به خاطر وقایعی که در آن اتفاق افتاده، پذیرفته شده است تا به این وسیله مردم به وقایع گذشته توجه کنند و از آن درس‌ها و عبرت‌ها گرفته و برای دفع آن به خدا متوسل شوند، از او مدد جویند و از مجازات و مکافات اعمال خویش غافل نباشد.

هر چند افراط در مسأله سعد و نحس ایام به هیچ وجه مورد پذیرش اسلام نیست، اینکه انسان به هر کاری بخواهد دست بزند، مثلاً به سراغ سعد و نحس ایام برود و عملاً از بسیاری فعالیت‌ها باز بماند، نه مورد تأیید عقل است و نه مورد تأیید شرع، درست نیست که انسان به جای بررسی عوامل شکست و پیروزی خود، گناه همه شکست‌ها را به گردن شومی ایام اندازد، بی‌تردید چنین کاری جز فرار از حقیقت و تبیین خرافی حوادث زندگی نیست.

اما درباره ماه صفر باید گفت: چون در این ماه رحلت پیامبر اکرم(ص) و چند تن از امامان معصوم(ع) اتفاق افتاده است، در روایات آمده که برای دفع آفات و بلایای این ماه، بسیار صدقه دهند، نه از آن جهت که به آن معنا نحس باشد، بلکه به خاطر از دست دادن پیامبر(ص) برای مردم روزهای خوبی نیست.

*پی‌نوشت‌ها:

1- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، (دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، 1404) صفحه 232.

2- همان، صفحه 485.

3- سوره قمر، آیه 19-20.

4- سوره فصلت، آیه 16.

5- سوره دخان، آیه 3.

6- علامه سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، فی تفسیر القرآن، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، 1362، جلد 19، صفحات 79-83 با تلخیص.

7- تفسیر نمونه، جلد 23، صفحه 41 و 47 با تلخیص.

8- تفسیر نورالثقلین، جلد 5، صفحه 183، حدیث 25، به نقل از تفسیر نمونه جلد 23، صفحه 43.

9- تفسیر نورالثقلین، صفحه 105، حدیث 25، به نقل از تفسیر نمونه، جلد 23، صفحه 43، و ر.ک: محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، (بیروت، لبنان، مؤسسة الاعلمی، للمطبوعات، چاپ دوم، 1402 هـ، 1982 م ح 5، صفحات 101-102.

10- بحارالانوار، جلد 59، صفحه 92.

11- تفسیر نورالثقلین، جلد 5، صفحه 58، به نقل از تفسیر نمونه، جلد 23، صفحه 43.

12- تفسیر نورالثقلین، جلد 5، صفحه 61، به نقل از تفسیر نمونه، جلد 23، صفحه 43.

*منابع برای مطالعه بیشتر

1. ترجمه المیزان، علامه طباطبائی، جلد 19، ذیل آیه 19 قمر.

2. ترجمه تفسیر صافی، جلد دوم، ذیل آیه 19 قمر.

3. تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، جلد‌های 23-37-47 و جلد 20، صفحه 240.